



این جا، چراغی روشن است

سال دوم  
شماره ۷۸  
دوشنبه  
۲۰ حوت ۱۳۹۷  
قیمت ۱۰ افغانی  
Monday  
March 11, 2019  
Vol. 2  
No. 78

نیمه هفته



لینا علم؛ هنرپیشه سینما برنده جایزه بهترین بازیگر زن در جشنواره بین المللی فیلم سینما زیتو ۲۰۱۹ تانزانیا شد.

رویکرد نیمه

## هشت مارچ؛ فرصتی برای تغییر و نگاه به چشم انداز تاریخی کارکردهای زنان

در هشتمین روز ماه مارچ سال ۱۸۵۷ زنان کارگر در شهر شیکاگو که در کارخانه نخریسی مشغول کار بودند دست به اعتراض زدند. در این روز زنان کارگر به خیابان‌ها ریختند و خواسته‌هایشان را مطرح کردند. خواست آن‌ها به صورت روزانه ده ساعت کار، دست‌مزد عادلانه و حق رای برای زنان بود. در جریان اعتراض پولیس وحشیانه بر آنان حمله کرد. اما صدای معترضان خاموش نشد. در سال‌های بعد از آن، این اعتراض عامل راه‌پیمایی‌های زنان نه تنها در آمریکا بلکه در چندین کشور دیگر شد.

در بحث محرومیت و مورد تبعیض قرار گرفتن زنان تنها یک عامل اصلی وجود ندارد. بلکه مسایل زیادی چون دین، نظام سرمایه‌داری و صدها عوامل دیگر نیز دست دارد. بسیاری و یا می‌توان گفت تمام ادیان به صورت واضح می‌گویند که زنان از توانایی و تعقل کم‌تری نسبت به مردان برخوردار هستند و بنابراین آن‌ها باید چون نیروی کاری و استفاده از آن زیر دست مردان قرار بگیرند. مساله درستی‌ای برتری داشتن مردان نسبت به زنان بحث دیگری است و در این جا به آن اشاره نمی‌شود. بنابراین با استفاده از آنچه در بالا ذکر شد، به این نکته پرداخته می‌شود که روز هشتم مارچ را می‌توان چون نقطه‌ی عطف در تاریخ مبارزات زنان دانست. از همین رو با جدیت و کارایی عمل کردن در این روز می‌توان بحث‌های داغ و عمده‌ی خشونت علیه زنان را پیش کشید.

اگرچند در افغانستان همه ساله از این روز تجلیل می‌شود و نهادهای مختلف برنامه‌های متفاوت را برگزار می‌کنند. اما آنچه در این میان به صورت جدی نادیده گرفته شده است پرداختن به دلایلی اصلی خشونت علیه زنان و ارایه راه‌حل برای دراز مدت بوده است. معمولن تجلیل از این روز تنها در روز هشتم مارچ با ارایه چند سخن ختم می‌شود و تمام روزهای دیگر سال خشونت علیه زنان به صورت عادی و جا افتاده‌اش صورت می‌گیرد و این به عنوان یک امر حتما می‌توان گفت طبیعی در نظر مردم جلوه می‌کند. بنابراین تنها کاری که می‌توان در این روز با استفاده از این فرصت انجام داد، نگاهی دقیق به وضعیت زنان، پرداختن به درک عوامل خشونت علیه زنان و نیز نگاه به چشم‌انداز کارهای که زنان در طول تاریخ انجام دادند می‌باشد. از همین رو باید هشت مارچ را هم چون فرصتی ادامه در صفحه ۳...

## هشت مارچ فرصتی است برای بازخوانی مشکلات و دست‌آوردهای زنان

۳



## تقلیل وضعیت اجتماعی و حقوق اساسی زنان به مناسبت‌های تقویمی



تحلیل

ک. یعقوب یسنا

و چوکی‌ها را آن‌جا بگذارید. درست است که زنان از نظر جنس، از یک جنس هستند اما هر کدام فردیت و ویژه‌گی‌های خود را دارند که نمی‌توانیم مثل اشیا زنان را برای این که از یک جنس هستند؛ طبقه‌ی اناث و قشر اناث در نظر بگیریم. طوری که هر مرد ویژه‌گی خود را دارد، هر زن نیز ویژه‌گی خود را دارد.

مردان و زنان جنس خود را دارند؛ خواست‌های شان می‌تواند متفاوت باشد و

در خواست‌های عمومی، هر جنس همانندی‌های داشته‌باشد اما این اشتراک عمومی خواست‌ها باعث نمی‌شود که ما هویت فردی زنان را در نظر بگیریم و زنان را به طبقه و قشر اناث تقلیل بدهیم. بهتر است این نوع نگاه کلی‌نگر خود را در باره‌ی زنان تغییر بدهیم تا بتوانیم واقعیت فردی و بشری زنان را درک کنیم. متأسفانه این کلی‌نگری ما درباره‌ی زنان باعث شده که هیچ‌گاه نتوانیم وجود و شخصیت فردی زنان را درست تشخیص بدهیم و واقعیت اجتماعی فرد زنان را در مناسبات و معضله‌های اجتماعی، خانواده‌گی و سیاسی در نظر بگیریم. این کلی‌نگری مردانه نسبت به زنان نه ادامه در صفحه ۲...



معمولن موقعی که از زنان صحبت می‌کنیم زنان را به قشر اناث، طبقه‌ی اناث، سیاه‌سر و... تقلیل می‌دهیم و به‌نوعی همه‌ی زنان را در هم جوش می‌کنیم و در دسته‌بندی‌ای بنام زنانه جمع می‌کنیم؛ این‌گونه جمع‌بندی در واقع نادیده‌گیری زنان است. زیرا زنان نه قشر اناث هستند، نه طبقه‌ی اناث هستند و نه سیاه‌سر هستند. زنان مجموعه‌ای از افراد جامعه است که هر زن مانند مرد، حقوق بشری و طبیعی فردی خود را دارد؛ باید در فردیت خود قابل درک و قابل تفکیک با هر فرد دیگر باشد. این که می‌گوییم قشر اناث و طبقه‌ی اناث را به محل زنانه برید؛ مانند این است که بگوییم میزها را این‌جا بگذارید

## دست‌رسی زنان به عدالت؛

## به بیش از ۷ هزار قضیه خشونت علیه زن رسیده‌گی شده است



گزارش

ک. حسین احمدی

خشونت، در سال ۱۳۹۵ خورشیدی، در محاکم ابتدایی ولایت کابل ایجاد شد و اکنون دادگاه عالی می‌گوید که این محاکم تا سال آینده‌ی خورشیدی در همه ولایات کشور فعال می‌شود.

سخن‌گوی دادگاه عالی می‌گوید که هم‌اکنون در ۲۲ ولایت کشور دادگاه‌های ویژه برای رسیده‌گی به خشونت علیه زنان فعال است و کارکردهای خوبی داشته است. او افزود که قرار است این دادگاه‌ها در هفته‌های آینده در شش ولایت دیگر نیز ایجاد شود.

عمده‌ترین گونه‌های خشونت علیه زنان در افغانستان تجاوز جنسی، ازدواج‌های اجباری، قتل‌های ناموسی، لت‌وکوب، ازدواج پیش از وقت، دادگاه صحرایی، اختطاف، مجبور کردن به فحشا و فروش زنان است. مهم‌ترین دلایل خشونت علیه زنان در ادامه در صفحه ۲...

دادگاه عالی کشور به خاطر دست‌رسی زنان به عدالت دادگاه‌های ویژه برای رسیده‌گی به خشونت علیه زنان ایجاد کرده که در سه سال گذشته به ۷ هزار و ۲۴۶ قضیه خشونت علیه زنان رسیده‌گی شده است.

امان‌الله ایمان، سخن‌گوی دادگاه عالی کشور روز چهارشنبه، ۱۵ حوت در یک نشست خبری اعلام کرد که این تعداد پرونده‌های خشونت به گونه کامل در مراحل محاکماتی «ابتداییه»، «استیناف» و «تمیز» حل و فصل شده است.

دادگاه‌ها ویژه برای رسیده‌گی به پرونده‌های خشونت علیه زنان و پی‌گیری عاملان رخ داده‌های



# تقلیل وضعیت اجتماعی و حقوق اساسی زنان به مناسبت‌های تقویمی

فرهنگ مردانه به نفع خود مصادره می‌کند. در سطح ریاست‌جمهوری و وزارت‌خانه‌ها از این مناسبت‌های تقویمی محفل برگزار می‌شود. از رسانه‌ها دعوت می‌دهند. در این محفل‌ها را پوشش می‌دهند. در این محفل‌های مناسبتی مثل همیشه گفته می‌شود که همه چه در زنده‌گی زنان خوب است و وضعیت زنان تغییر کرده است. از چند زن نیز به صورت ویرتین استفاده‌ی نمایشی می‌شود. کسانی که در بیرون از افغانستان از رسانه، برگزاری چنین محفل‌های تقویمی را می‌بینند؛ فریب زاویه‌ی دید رسانه را می‌خورند و می‌گویند وضعیت زنان در افغانستان خیلی خوب شده است؛ نمی‌دانند که آنچه در رسانه می‌بینند بیشتر صحنه‌ای است که دایرکت و مهندسی شده و زیر یک سقف بنام آرگ، وزارت‌خانه یا یک ستدیو است.

بنابراین برگزاری چنین محفل‌های تقویمی در افغانستان باعث می‌شود که جامعه‌ی جهانی اغفال شود و از واقعیت خشونت علیه زنان در کی درست نداشته‌باشد. به‌نوعی بر سر زنان افغانستان نیز کلاه گذاشته می‌شود که در سطح ریاست‌جمهوری و وزارت‌خانه‌ها از روز زن تجلیل صورت گرفت. تعدادی از مردان نیز در برگزاری این مناسبت‌های تقویمی از این سفارت و آن سفارت پول می‌کشند که ما از روز زن تجلیل می‌کنیم و...

خلاصه عرض شود که روز زن و مناسبت‌های تقویمی درباره‌ی زنان با این دغل‌بازی‌ها صورت می‌گیرد؛ حقوق زنان به برگزاری محفل‌های مناسبتی و تقویمی درباره‌ی زنان تقلیل پیدا می‌کند اما معضل و مشکل زنان هم‌چنان زیر چتر فرهنگ مردسالانه در مناسبات اجتماعی و فرهنگی جامعه‌ی افغانستان باقی می‌ماند و حتا در بسا موارد بیش‌تر از پیش رواج و رونق پیدا می‌کند.

اگر قرار باشد اراده برای رفع خشونت علیه زنان و رفع معضل‌های فرهنگی خانواده‌گی و اجتماعی زنان در برنامه‌ی دولت وجود داشته‌باشد؛ باید فراتر از این مناسبت‌های تقویمی به وضعیت زنده‌گی زنان توجه شود و فرهنگ مردسالانه‌ی افغانستان که منشا و خاستگاه ترویج خشونت و حامی خشونت علیه زنان است، مورد نقد قرار بگیرد تا خشونت علیه زنان در سطوح متفاوت اجتماعی دیده شود. درغیر آن هرگونه مناسبات تقویمی و سخن از حقوق زن و روز زن توسط فرهنگ مردانه، به نفع فرهنگ مردانه که رواج‌دهنده‌ی خشونت علیه زنان است، مصادره می‌شود و به بهانه‌های متفاوت فرهنگی و احترام به ارزش‌های فرهنگی بر خشونت علیه زنان روپوش گذاشته شده؛ خشونت علیه زنان توسط فرهنگ مردانه، کتمان می‌شود و مشروع و فرهنگی جلوه می‌کند.

تقویمی مانند روز زن در افغانستان به گونه‌ای روپوشی بر خشونت‌های فرهنگی علیه زنان است. شاید بگویید که نه، اشتباه می‌کنی. در این مناسبت‌های تقویمی، زنان مورد ستایش و تمجید قرار می‌گیرند؛ چگونه برگزاری این مناسبت‌های تقویمی روپوشی بر خشونت‌های فرهنگی علیه زنان باشند. پاسخ من این است: در صورتی که نگاه و دید فرهنگی و اجتماعی مردانه به زنان تغییر نکند؛ برگزاری هرگونه مجلس و محفل، که به اساس دید فرهنگی و اجتماعی مردانه نسبت به زنان صورت بگیرد، نوعی تعمیم دادن فرهنگ مردانه است. هرگونه تعمیم فرهنگ مردسالارانه، باعث می‌شود تا خشونت علیه زنان زیر این چتر فرهنگ مردسالارانه، کتمان شود.

موقعی که مناسبت‌های تقویمی درباره‌ی زنان به افغانستان می‌رسند، مردانه می‌شوند و مورد استفاده‌ی مردان قرار می‌گیرند. از زن و وضعیت زن سخن گفته نمی‌شود تا این‌که مناسبت تقویمی روز زن، روز مادر و... فرابرسد؛ این مناسبت‌های تقویمی با تشریفات رسمی از



طرف دولت برگزار می‌شود. چند مرد سخنان کلیشه‌ی مردانه را در تمجید زنان ارایه می‌کنند که در حقیقت این سخنان علیه زنان است. مردان در مناسبت‌های تقویمی زنان به خود حق می‌دهند درباره‌ی زنان صحبت کنند؛ به خود حق می‌دهند که بگویند زنان چگونه باید زنده‌گی کنند؛ به خود حق می‌دهند که بگویند زنان عزت و شرف مردان استند؛ و مرتبه‌ی کلیشه‌ی و همیشه‌گی زنان را تکرار می‌کنند که زن، مادر است، زن خواهر است، زن همسر است و... اما زن هیچ‌گاه به عنوان یک فرد در واقعیت زن‌بودن خود که دارای استقلال و هویت فردی است، مطرح نمی‌شود. اکنون فکر کنید برگزاری چنین مناسبت‌های تقویمی چگونه باعث می‌شود که روپوش فرهنگی بر خشونت‌های شود که بر زنان اعمال می‌شود. برگزاری این مناسبت‌های تقویمی را

تنها در رفتارهای روزمره‌ی اجتماعی و فرهنگی ما رواج دارد بلکه در مناسبت‌های خاص تقویمی که به زنده‌گی زنان ارتباط می‌گیرد نیز تعمیم داده می‌شود. روز زن (۸ مارچ)، روز مادر و... داریم که به زنده‌گی زنان ارتباط می‌گیرد. در این مناسبت‌ها باید به وضعیت زنده‌گی زنان از نظر هویت فردی، جمعی، خانواده‌گی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی توجه شود؛ گزارش‌های پژوهشی و جامع از وضعیت زنان ارایه شود و وضعیت موجود زنان از دید انتقادی و روشن‌گرانه مطرح شود؛ اما چنین نمی‌شود، با کلی نگری فرهنگی دید مردانه به زنان، واقعیت وضعیت زنان نادیده گرفته می‌شود که در نتیجه، وضعیت زنان به مناسبت‌های تقویمی تقلیل داده می‌شود.

این مناسبت‌ها با چشم‌انداز فرهنگی مردانه برگزار می‌شود. چند مرد به جای زنان در این مناسبت‌ها سخنرانی می‌کنند و می‌گویند طبقه‌ی انانث ننگ و ناموس، خواهر، مادر و عزت و شرف مردم افغانستان استند. مناسبت‌های

تقویمی که از طرف نهادهای دولتی برگزار می‌شوند با چنین سخنان مردانه، تمام می‌شوند. سال‌ها است که زنان ننگ و ناموس، خواهر، مادر و عزت و شرف ما مردان استند. در واقع خشونت‌هایی که بر زنان روا می‌داریم زیر نام همین ننگ و ناموس و عزت و شرف صورت می‌گیرد. زیرا زنان عزت و شرف مردان استند، نباید عزت و شرف مردان را جریحه‌دار کنند؛ اگر عزت و شرف مردان را جریحه‌دار کردند، مردان به خود حق می‌دهند که زنان را به اساس پشتوانه‌ی فرهنگی ناموسی و عزت و شرف مورد خشونت قرار بدهند و این خشونت بر زنان نادیده گرفته شود؛ برای این‌که فرهنگ ننگ و ناموسی از این خشونت حمایت می‌کند و بر خشونت روپوش فرهنگی می‌گذارد.

من فکر می‌کنم برگزاری مناسبت‌های

## جدگسو

که نادیا انجمن

## عبث

نیست شوقی که زبان باز کنم، از چه بخوانم؟

من که منفور زمانم، چه بخوانم چه نخوانم

چه بگویم سخن از شهید

که زهر است به کامم

وای از آن مشمت ستم‌گر

که بکویده دهانم

نیست غم خوار مرا در همه دنیا

که بنازم

چه بگریم

چه بخندم، چه بمیرم، چه بمانم

من و این کنج اسارت، غم ناکامی و حسرت

که عبث زاده‌ام و مهر بیاید به دهانم

دانم ای دل که بهاران بود و موسم عشرت

من پرسته چه سازم که پریدن نتوانم

گرچه دیری است خموشم، نرود نغمه ز یادم

زان که هر لحظه به نجوا سخن از دل برهانم

یاد آن روز گرمی که قفس را بشکافم

سر برون آرم از این عزلت و مستانه بخوانم

من نه آن بید ضعیفم که ز هر باد بلرزم

دخت افغانم و برجاست که دایم به فغانم

## دست‌رسی زنان به عدالت؛

### به بیش از ۷ هزار قضیه خشونت علیه زن رسیده‌گی شده است

در مورد نوعیت جرایم دوسیه‌های خشونت علیه زنان، دادگاه عالی می‌گوید که از جمله ۷ هزار و ۲۴۶ دوسیه که طی بیش‌تر از سه سال اخیر در دادگاه‌های ویژه رسیده‌گی به خشونت علیه زن به آن‌ها رسیده‌گی شده است؛ ۹۲۰ دوسیه آن جرایم تجاوز جنسی، ۷۲۰ دوسیه آن مربوط به لت‌وکوب، ۳۲۰ دوسیه قتل، ۱۴۵ دوسیه آزار و اذیت زنان، ۱۱۳ دوسیه جرایم خودکشی، ۸۷ مورد ضرب و جرح خانم‌ها و ۴۱ دوسیه‌ی دیگر آن مربوط نیز مربوط به مجروحیت زنان بوده است. به گفته سخن‌گوی دادگاه عالی، حدود چهار هزار و ۹۰۰ دوسیه دیگر آن، شامل جرایمی از قبیل مجبور کردن زنان به فحشا، تهدید به مرگ، سقط جنین، اختطاف، ازدواج زیر سن، فروش زنان و معانعت از حق ازدواج قانونی بوده است.

هزار و ۵۰۹ دوسیه دیگر خشونت علیه زن مربوط به سایر ولایت‌های کشور است که به آن‌ها رسیده‌گی شده است.» به گفته او، ولایت پنجشیر کم‌ترین رقم خشونت را داشته است. این آمارها از سوی نهادهای عدلی و قضایی در حالی منتشر می‌شود که برنیاد یک گزارش تحقیقی رسانه‌ها در یک سوم ولسوالی‌های افغانستان (۱۴۲ ولسوالی از ۴۰۰) ولسوالی کشور هیچ دادگاهی وجود ندارد.

این تحقیق را بخش فارسی شبکه بی‌بی‌سی براساس مصاحبه با یک هزار مسوول دولتی آماده کرده است. در این تحقیق آمده که در بیش‌تر مناطق، مراکز قضایی بسته است و مسوولان آن عمدتاً در مراکز ولایت‌ها، مسایل عدلی و قضایی مراجعان ولسوالی‌ها را بررسی می‌کنند.

هزار و ۷۰۱ قضیه خشونت علیه زنان در ۳۴ ولایت کشور رسیده‌گی کرده است. براساس آمارهای ارایه شده از سوی دادگاه عالی، پایتخت کشور با رسیده‌گی به یک هزار و ۷۴ دوسیه، در میان ۲۲ ولایت که دادگاه‌های ویژه‌ی رسیده‌گی به خشونت علیه زن، را دارد در صدر قرار دارد. سپس ولایت هرات با ۴۱۲ دوسیه در ردیف دوم و ولایت بلخ در شمال کشور با رسیده‌گی به ۲۷۴ قضیه خشونت در جایگاه سوم قرار گرفته است. در این ارقام هم‌چنین آمده که ولایت قندوز با رسیده‌گی به ۲۵۷ دوسیه در جایگاه چهارم و ولایت قندهار با رسیده‌گی به ۶۷ قضیه خشونت در ردیف پنجم قرار گرفته است. سخن‌گوی دادگاه عالی می‌گوید: «مبتاقی سه

افغانستان عدم دست‌رسی زنان به دادگاه‌ها، عدم آگاهی عامه از خشونت علیه زنان شمرده می‌شود و انتقادهایی هم مبنی بر بررسی نشدن اکثریت این قضایا و کیفری نشدن عاملان آن از سوی نهادهای مسوول وجود دارد که همیشه از سوی نهادهای مدافع حقوق زنان در کشور مطرح می‌شود. در همین حال، سخن‌گوی دادگاه عالی کشور می‌گوید: «در سال ۱۳۹۴ خورشیدی یک هزار و ۷۲ جلد دوسیه، در سال ۱۳۹۵ خورشیدی یک هزار و ۷۳ قضیه، در سال ۱۳۹۶ خورشیدی دو هزار و ۹۰۹ دوسیه و در شش ماه نخست سال جاری دو هزار و ۱۱۷ قضیه خشونت از سوی دادگاه‌های ویژه رسیده‌گی به خشونت علیه زنان بررسی و حل و فصل شده است.»

این در حالی است که جمیشد رسولی، سخن‌گوی دادستانی کل کشور یک ماه پیش اعلام کرد که دادستانی در سال مالی ۱۳۹۷ خورشیدی به دو



# هشت مارچ فرصتی است برای بازخوانی مشکلات و دست‌آوردهای زنان



گفت‌وگو  
آمنه امید

## گفت‌وگو با شهرزاد اکبر، نویسنده و فعال حقوق زن

**آمنه امید: فلسفه هشتم مارچ چیست و ضرورت وجود یک روز به خصوصی در تقویم دولت‌ها به نام روز جهانی هم‌بسته‌گی زنان چه است؟**

شهرزاد اکبر: روز هم‌بسته‌گی زنان در نخست به زنان کارگر اختصاص داده شده بود که سپس تبدیل به روز جهانی هم‌بسته‌گی زنان شد. اکنون در تمام نقاط دنیا از این روز بزرگداشت می‌شود. اما در بعضی جاها نسبت به افغانستان کم‌رنگ‌تر گرامی‌داشت می‌شود. در افغانستان مناسبت‌ها و مراسم مختلف وجود دارد و بزرگداشت می‌شود؛ اما زمانی که من در امریکا بودم بسیار کم‌رنگ می‌دیدم. شاید یکی از دلایل این باشد که در افغانستان هشت مارچ مهم است چون دادخواهی برای زنان هنوز هم باید راه طولانی را پیماید.

در این اواخر در سراسر دنیا به مناسبت هشتم مارچ یک کمپین به راه می‌اندازند. از سازمان ملل متحد تا نهادهای کوچک بین‌المللی هر کدام یک کمپین ویژه راه‌اندازی می‌کنند. کمپین بین‌المللی امسال «زنان و ساینس» است. این کمپین بر نقش و مشکلات زنان در ساینس متمرکز است.

**هم‌چنان که شما گفتید در افغانستان هشتم مارچ بزرگداشت می‌شود، بسیاری از زنان این روز را روز مهمی می‌پندارند و برنامه‌های متنوعی دایر می‌کنند. مراسم هشتم مارچ به شکل امروزی‌اش در افغانستان از چه زمان شروع شده است؟**

سال‌های کودکی و نوجوانی من شبیه بسیاری از افغان‌ها در جنگ و مهاجرت گذشت و به یاد ندارم که در آن زمان هشتم مارچ برای افغان‌ها چه روزی بود. اما پس از سال ۲۰۰۱ میلادی روز هم‌بسته‌گی زنان همه ساله بزرگداشت می‌شود. در سال‌های اخیر به دلیل این که مدافعان حقوق زن و کسانی که به برابری جنسیتی فکر می‌کنند و می‌نویسند بیش‌تر شده است، هشتم مارچ نیز پررنگ‌تر و برنامه‌های آن متنوع‌تر شده است. امروز هشتم مارچ از یک روز دولتی که در نخست فقط وزارت امور زنان بزرگداشت می‌کرد به یک سنت تبدیل شده است؛ سنتی که از نهادهای ملی و بین‌المللی تا یک قهوه‌خانه با این روز به عنوان یک مناسبت ویژه برخورد می‌کند.

**شما منیچت یک فعال حقوق زن و کسی که سال‌ها تجربه کار در نهادهای مختلف را دارید و عملن در صحنه مبارزه نیز حضور دارید، بر خورد مردم با هشتم مارچ و به ویژه دیدگاه مردان نسبت به روز جهانی زن را چگونه بررسی می‌کنید؟ و بزرگداشت از این روز چه تأثیری در جامعه خواهد داشت؟**

من فکر می‌کنم که ما هنوز هم کم کار می‌کنیم. هشتم مارچ در دواپس دولتی معمولن به تدویر برنامه‌ها و دعوت

یک مجموعه مهمان و سخنرانی خلاصه می‌شود. سال گذشته که در حکومت کار می‌کردم از نزدیک به شخص رییس جمهور گفتم که هشتم مارچ باید فرصتی باشد برای این که وزارت‌ها از وضعیت زنان در دایره صلاحیت و مکلفیت شان گزارش بدهند. هر وزارت باید گزارش بدهد که چند درصد کارمندانش زن بوده، زنان در کدام سمت‌ها و صلاحیت‌ها قرار داشته‌اند و چه تعداد زن از برنامه‌های شان مستفید شده است. مثلن در وزارت احیا و انکشاف دهات به چه تعداد زن کارمند است و از برنامه‌های چند زن روستایی استفاده کرده است.

هشتم مارچ باید فرصت پاسخ‌گویی نهادهای دولتی از کارکردهای شان در قبال زنان باشد. بهتر این است که روز

کاری نشده که بخواهند گزارش بدهند. در زمانی که من این مسأله را با رییس جمهور غنی مطرح کردم و از وزارت‌ها گزارش خواسته بودیم به لحاظ زمانی فرصت کمی بود؛ یعنی حدود دوهفته وقت داشتند شاید گزارش همه‌جانبه که ما می‌خواستیم آماده نمی‌توانستند. عدم یک سیستم معین برای مدیریت معلومات در اکثریت نهادهای ما یک مشکل است و تکمیل شدن گزارش سالانه‌شان زمان‌بر است چون زیرساخت‌های تشریک معلومات به صورت الکترونیک وجود ندارد. اما این طرح قابل تطبیق است.

نهادهای مدنی می‌توانند از حکومت بخواهند که هر سال در هشتم مارچ از وضعیت زنان و کارکردهای همه نهادهای دولتی برای زنان در کشور یک

و مشکلات زنان ارزیابی کنند. یعنی فراتر از شعارهایی که تکرار می‌شود زن مادر است، زن خواهر است، زن همسر است و بهشت زیر پای مادران است؛ باید مشخص شود که حکومت و سکتور خصوصی برای زنان چه کار کرده است.

به غیر از حکومت و نهادها، خانواده‌ها از هشتم مارچ چه درسی می‌توانند بگیرند و چگونه استفاده کنند؟ من زنی را دیدم که صورتش از اثر ضرب و شتم شوهرش کبود شده بود، اما بازم از هشتم مارچ می‌پرسید و به امید این که در این روز شاید برایش هدیه‌ای بخرد. یعنی خشونت علیه زن با یک کادو در روز جهانی زن فراموش خواهد شد؟

من فکر می‌کنم بهترین کاری که ما برای دختران جوان و کودکان می‌توانیم



**خلاصه نشود بلکه در مناطق دوردست و روستایی افغانستان نیز راه یابد و از آن به عنوان فرصتی برای بازخوانی مشکلات و دست‌آوردهای زنان استفاده شود؟**

هشتم مارچ می‌تواند توسط نهادهای ملی در دل روستاها راه یابد. هم‌چنان که دولت در حد کلان با گزارش دهی سالانه در هشتم مارچ می‌تواند از کارکردها و برنامه‌های خود حساب‌دهی کند با تهداب‌گذاری یک مرکز صحتی و یا مکتب و یا هر مرکز خدماتی ویژه زنان می‌تواند حس خودباوری و اهمیت حضور را در دل زنان روستایی نیز زنده کند.

اما بیش از همه رسانه‌ها تأثیر گذار است. رسانه‌ها هم‌چنان که در نشر آمار خشونت‌ها عمل می‌کنند باید صدای زنان را از ولایات کشور نیز انعکاس دهد. این که یک زن در ولایت و در لسوالی دوردست و مناطق روستایی چه مشکل دارد، چه توانایی دارد، چه ضرورت دارد و چه کاری می‌تواند بکند. در مورد هشتم مارچ همواره نظر زنان شهری بازتاب یافته و مردم در اطراف فقط از تلویزیون‌ها می‌شنوند؛ حالا لازم است که باید صدای زنان روستایی نیز شنیده شود.

**در نتیجه، با هشتم مارچ چه تغییری می‌توان ایجاد کرد؟**

هشتم مارچ یک مناسبت است؛ یک مناسبت نمادین ولی در سطح جهانی. مهم، اراده و روحیه جمعی ما برای مبارزه با تبعیض و نابرابری جنسیتی است. اگر ما این اراده را داشته باشیم هشتم مارچ برای ما فرصتی را فراهم می‌کند تا از کارهای انجام شده گزارش دهی کنیم و توجه را جلب کنیم به کارهایی که هنوز انجام نشده ولی باید صورت بگیرد.

تصویر واضح و گزارش مفصل ارایه کند. شبیه همین طرح را سال گذشته ارگ ریاست جمهوری در چارچوب یک گزارش تصویری کوتاه از شمولیت زنان در سمت‌ها و اداره‌های مختلف دولتی و از مناطق مختلف کشور آورده بود که همه‌شمولی اقبال مختلف نیز در آن بازتاب یافته بود. همین گونه باید حساب‌دهی شود.

**برنامه‌های کنونی که در هشتم مارچ دایر می‌شود چه تأثیری بر انگیزه‌ی زنان دارد و اگر طرح حساب‌دهی نهادها از کارکردشان برای زنان، عملی شود فکر می‌کنید چه دست‌آورد و تغییری در پی خواهد داشت؟**

برنامه‌های کنونی بسیار مهم است. هشتم مارچ فرصتی است که ما در مورد مشکلات و خشونت علیه زنان صحبت کنیم و هم از دست‌آوردها و توانایی‌های زنان بگویم. فضای سیاسی به گونه‌ای است که زنان از برابری برنامه‌های بزرگ ملی همانند صلح نگران اند. روز هم‌بسته‌گی زنان این فرصت را فراهم می‌کند تا همه زنان افغان به صورت منسجم این نگرانی‌ها و دیدگاه‌های شان را در قبال وضعیت کنونی ابراز کنند. کار دیگری که هم‌زمان با این صورت می‌گیرد این است که اعلام حضور می‌شود؛ زنان منیچت یک قشر اجتماعی وجود دارند و حضور شان پررنگ و جدی است که نباید در هیچ امری نادیده گرفته شود. اگر طرح حساب‌دهی حکومت و دیگر نهادها نیز در این روز عملی شود شهروندان می‌توانند کارکرد آن‌ها را در بخش برابری جنسیتی و رسیده‌گی به حقوق

جهانی هم‌بسته‌گی زنان مختص به زنان شهرنشین و کسانی نشود که حق رفتن به محافل را دارد بلکه هر سال در هشتم مارچ باید حکومت به مردم حساب بدهد که طی یک‌سال وضعیت زنان چقدر بهبود یافته و به چه میزان خدمات و پروژه‌ها برای زنان تخصیص یافته است. بنابراین حکومت باید به مردم پاسخ‌گو باشد که طی یک سال در بخش صحت چه خدماتی برای زنان ارایه شد و چند پزشک زن استخدام شده است.

وقتی که رییس جمهور پیشنهاد مرا شنید از تمام وزارت‌خانه‌ها خواسته بود که گزارش یک ساله شان را در مورد زنان به ریاست جمهوری ارایه کنند؛ اما گزارش‌های آن‌ها کارآمد نبود و پی‌گیری نشد. هشتم مارچ باید فراتر از مراسمات کنونی باشد و از این روز به عنوان فرصت تمام معنا در تمام بخش‌ها برای زنان استفاده شود. هم چنین رسانه‌ها و سکتورهای خصوصی نیز می‌توانند در راستای حمایت از زنان و برابری جنسیتی فرصت‌های شغلی را برای زنان نیز فراهم کنند. حکومت هم از میزان پیش‌رفت‌ها در بخش آموزش، دست‌رسی زنان به خدمات صحتی و رفاهی گزارش بدهند و از برنامه‌های آینده آگاهی بدهند. در غیر آن، هشتم مارچ به یک مناسبت نمادین باقی می‌ماند و فقط به تدویر برنامه‌های شهری خلاصه خواهد شد؛ در حالی که شماری زیادی از شهروندان در اطراف از آن چیزی نمی‌دانند.

در مورد گزارش دهی نهادها که شما یاد کردید و گفتید گزارش‌های واصله از وزارت‌ها به ریاست جمهوری قابل نشر نبود؛ دقیقن جریان آن‌ها چیست؟ آیا زیاد سطحی نگری حاکم است یا اصلن

انجام دهیم این است که برای آنان حس خودباوری بدهیم. هشتم مارچ هم فرصتی است تا ما با همه زنان و به ویژه کودکان-دختر خود حرف بزیم که زن بودن شرم نیست. باید برای شان بگویم که زن و مرد به لحاظ قدرت و توانایی باهم برابر است. من مفهوم برابری جنسیتی را از سفرهای غربی نیامختم بلکه در درون خانواده خود آموختم. پدرم همیشه کتاب‌هایی را در مورد زنان نام‌دار و قهرمان تاریخ برایم می‌آورد تا بخوانم و هر وقت صدای یک زن سیاست‌مدار از رادیو پخش می‌شد مرا به شنیدن آن تشویق می‌کرد و به من از ظرافت و زیبایی زنان هنرمند تعریف می‌کرد. حتمی نیست که خانواده‌ها همه باسواد باشد تا به دختران شان اعتماد به نفس و برابری را بیاموزاند؛ بلکه در روستاها نیز زنانی هستند که خدمات کلانی در همان قریه‌ها انجام داده‌اند در حالی که بی‌سواد هستند. در قریه‌جات هم زنانی که در مردمداری، سخاوت و تصمیم‌گیری برجسته هستند باید به عنوان الگو قرار بگیرند و همین‌طور برای دختران آموزش داده شود که منیچت یک زن توانایی تغییر وضعیت جامعه و دگرگونی تاریخ را دارد.

رفتار زن و شوهر بر کودکان شان تأثیر گذار است و امروز زوج‌های جوان باید این مسأله را باید جدی بگیرند که هشتم مارچ تنها به یک گل خریدن خلاصه نشود بلکه از آن به عنوان یک فرصتی برای برنامه‌ریزی و حساب‌دهی در راستای بهبود وضعیت زنان استفاده شود.

**چه راه‌کاری برای همه‌گانی سازی هشتم مارچ است تا این مناسبت تنها در تقویم شهر**

ادامه از صفحه اول

ادامه روی کرد **روی‌کرد نیم‌رخ**

## هشت مارچ؛ ...

برای تغییر و نگاه به چشم‌انداز تاریخی کارکردهای زنان دانست. تنها راهی که می‌تواند به عملی ساختن این ایده کمک کند، بیان ضعف برنامه‌های است که همه ساله در افغانستان به مناسبت هشتم مارچ گرفته می‌شود. معمولن در پشت این برنامه‌ها که حرف‌هایش در یک روز گفته و ختم می‌شود، بودجه‌های کلان مالی نهفته است که هر کسی به اندازه‌ی آن از سواستفاده می‌کند. این ادعا را ناکارایی پروژه‌های کلان در مشاهدات وضعیت زنان در امروز ثابت می‌کند. این انتظار می‌رود که مسوولین و فعالان حقوق زنان در پی تلاش بهبودی برنامه‌هایی باشند که همه ساله برگزار می‌شود. حق و حقوق زنان را نمی‌توان با برنامه‌های سطحی که گرفته می‌شود به دست آورد. در طول تاریخ رسیدن به آزادی محصول مدت‌ها تلاش سخت و مدیریت قوی آزادی‌خواهان بوده است. بنابراین به آسانی قابل درک است که رسیدن زنان به آزادی نیاز به تلاش، کار دراز مدت و برنامه‌ریزی‌های پخته و عملی دارد.



Nimrokh Weekly

صاحب امتیاز و مدیر مسوول: فاطمه روشنیاں  
سر دبیر: ریحانه رها  
گزارشگر: فرزانه احساس، حسین احمدی و آمنه امید  
عکاس: نجیبه نوری  
صفحه آرا: اولیا عماد

زیر نظر هیئت تحریر  
شماره تماس: ۰۷۹۸۸۹۸۸۹۴  
آدرس الکترونیکی:  
Nimrokhweekly7@gmail.com

خواننده‌گان عزیز نیم‌رخ بدون جهت‌گیری خاص  
سیاسی مقالات و نوشته‌ها را از صاحب‌نظران منتشر  
می‌کند.

به جز روی‌کرد نیم‌رخ سایر نوشته‌ها مسوولیتش به  
دوش نویسنده‌گان می‌باشد.  
هفته‌نامه نیم‌رخ در ویرایش مطالب دست باز دارد.

Monday March 11, 2019 Vol. 2 No. 78 / ۱۳۹۷ حوت ۲۰ دوشنبه ۷۸ شماره دوم سال دوم

گزارش نیم‌رخ

## خشونت خانوادگی؛ ۷۶ درصد مردان افغان با همسران‌شان رفتار خشونت‌آمیز دارند

تحقیق تازه‌ای که از سوی مجتمع جامعه مدنی افغانستان (مجما) اجرا شده نشان می‌دهد که نزدیک به ۷۶ درصد مردان با همسران‌شان رفتار خشونت‌آمیز دارند.

عزیزالله رفیعی، رییس مجتمع جامعه مدنی روز چهارشنبه، ۱۵ حوت در نشست خبری اعلام کرد که این تحقیق پس از گفت‌وگو با ۱۹۲۶ تن (۷۸ درصد زنان و ۲۸ درصد مردان) در ولایت‌های کابل، هرات، بلخ، ننگرهار و بامیان انجام شده است.

آقای رفیعی در این برنامه گفت: «۷۵.۹ درصد مصاحبه شونده‌گان گفته‌اند که بلی، خشونت شوهر علیه زن وجود دارد و تنها ۲۴.۱ درصد گفته‌اند که وجود ندارد. خشونت فیزیکی ۲۰.۵ درصد است. خشونت اجتماعی ۱۷.۸ درصد است. خشونت فرهنگی ۱۱.۸ درصد است. خشونت اقتصادی ۱۶.۴ درصد است.»

براساس این تحقیق، میزان خشونت‌های زبانی شوهران در برابر همسران‌شان ۲۵.۸ درصد و خشونت جنسی نیز ۵.۲ درصد ثبت شده است.

به گفته او، بخشی دیگر این تحقیق روی خشونت علیه زنان در خانواده شوهر تمرکز کرده است که میزان این‌گونه خشونت به ۶۶.۲ درصد می‌رسد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که خشونت‌های فیزیکی، جنسی و زبانی عمده‌ترین خشونت‌های خانواده شوهر در برابر عروس‌ها گفته شده است. آقای رفیعی گفت که میزان خشونت زبانی به بیش از ۳۹ درصد می‌رسد که فرهنگ اجتماعی پایین را در خانواده‌ها نشان می‌دهد. به گفته او، بانوان قبل از



عروسی در خانواده پدری نیز با خشونت‌های گوناگون روبه‌رو اند که ۳۹.۴ درصد افراد شامل در این تحقیق این مساله را تایید کرده‌اند.  
او افزود که این تحقیق نشان می‌دهد خشونت فیزیکی علیه زنان ۲۶.۸ درصد و خشونت جنسی یک درصد است؛ اما دختران جوان در خانواده خودشان نیز احساس راحتی نمی‌کنند و این بسیار خطرناک است. عمده‌ترین عوامل خشونت مردان در برابر همسران‌شان نوعیت برخورد زنان با همسر، اختلاف زنان با خانواده شوهر و بی‌کاری و عصبانیت مردان به

دلیل ناهنجاری‌ها گفته شده است. در همین حال، مجتمع جامعه مدنی، پیشنهاد می‌کند که برای کاهش خشونت علیه زنان در خانواده، باید برای بلند بردن آگاهی عامه از طریق مساجد، مکاتب و رسانه‌ها کار شود.  
حمایت از حقوق اساسی زن، فراهم‌شدن زمینه کار برای زنان، پی‌گردن عاملان خشونت علیه زنان و فراهم‌شدن زمینه دسترسی زنان به عدالت به عنوان پیش‌نیازهایی برای تامین مصونیت زنان دانسته می‌شود.

### دیدگاه



علی شاه مصباح، رییس  
کمیسیون انتخابات بامیان

هشتم مارچ، فرصتی است برای فکر کردن بیش‌تر به زنان خانواده و جامعه مان، به نظر من بهترین راه برای بهبود وضعیت، اصلاح دید و تفکر ما نسبت به زنان خانواده خودمانست. باید خشونت‌های روانی، گفتاری و فیزیکی را از خانواده‌های خود دور کنیم و به جای آن رفتار انسانی را جای‌گزین نماییم؛ برای باسواد شدن تمام اعضای خانواده به خصوص زنان سرمایه‌گذاری کنیم.



صبور بیات  
دانش‌آموخته‌ی روابط بین‌الملل

روز همبستگی زنان مبارک باد!  
فراتر از آن به این باورم تبریکی و شعار دادن هیچ دردی را دوا نمی‌کند. ما نیاز به تغییرات فکری و عملی در جامعه داریم. باور من این است که هر زمانی که در خیابان به آزار و اذیت دختران و زنان نپرداختیم همان روز، روز خسته‌تر برای زنان و دختران است. هر وقتی زنان را در استخدام مجبور به تن دادن به خواست جنسی مان نکردیم و مانع پیشرفت‌شان نشدیم آن روز مبارکی بیشتر دارد. هر گاه به این نتیجه فکری و شعوری رسیدیم که زن افغانستانی رهبر و رئیس مان در حوزه‌هایی گوناگون شده‌بوده می‌تواند و به قابلیت‌ها و توانایی‌های‌شان اعتماد و باور کردیم، آن روز برای همه خوشحال‌کننده‌است.

### ترهنگر خوک دی؟

هغه خوک چې هېواد نه لري.  
هغه خوک چې خپل هېواد او هېوادوالو ته درناوی نه لري.  
هغه خوک چې خپل وروڼه وژني.  
هغه خوک چې د الله (ج) د اوامرو سرغړونه کوي



په هلمند ولایت کې دسمن خپل مورال له لاسه ورکړی دی. افغان ملي دفاعي او امنيتي ځواکونو د جکړې په ډکر کې جکره ماران، د دوی جنکي ماشین او ملاتړي له مینځه وړي دي.

طالبان دروغ وايي او خلکو ته فریب ورکوي!  
حقيقت دا دی چې افغان ملي دفاعي او امنيتي ځواکونو په بنوراب پوځي اډه د طالبانو پرید په شا وتمباوه.  
د دوی پر دروغو باور مه کوئ!

### تروریست کی است؟

کسی است که کشوری ندارد.  
کسی است که به کشور و مردم اش احترامی ندارد.  
کسی که برادرانش را می‌کشد!  
کسی که از اوامر خداوند (ج) سرکشی می‌کند!

"دشمن روحیه خود را در ولایت هلمند از دست داده است. نیروهای ملی دفاعی و امنیتی افغان جنگ افزار و جنگجویان آنان را همراه با حامیان شان در جنگ از بین بردند."

طالبان دروغ می‌گویند و مردم را فریب می‌دهند!  
حقيقت این است که نیروهای ملی دفاعی و امنیتی افغان حملات طالبان بالای کمپ شوراب را دفع کردند.  
به فریبکاران اعتماد نکنید!

اسدالله خالد د ملي دفاع وزير  
وزير دفاع ملی اسدالله خالد

